

نگرشی کوتاه به حسابرسی داخلی

بخش پایانی: حاکمیت شرکتی و نقش حسابرسی داخلی در آن

تعاریفی از حاکمیت شرکتی:

برای مفهوم «حاکمیت شرکتی» تعاریف مختلف و میسوطی ارائه شده است، اما جامع ترین تعریف را شاید بتوان به این شکل ارائه داد که: «حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدفهای پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود.»

تعاریف گسترده‌تر نشان می‌دهد که شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسلهای آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی موانع و اهرمهای تعادل درون سازمانی و برون سازمانی برای شرکت‌هاست که تضمین می‌کند آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذینفعان انجام می‌دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می‌کنند. همچنین استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذینفعان برآورده کرد.

پاسخگویی

پاسخگویی، جوهره وجودی حاکمیت شرکتی است. همانطور که گفته شده هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به ۴ مورد پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان در شرکتها است. پاسخگویی شاه بیت هدفهای حاکمیت شرکتی است با پاسخگویی مناسب شرکتها، سه هدف دیگر (شفافیت عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان) حاصل می‌شود. به همین دلیل بسیاری از صاحب‌نظران، پاسخگویی را جوهره حاکمیت شرکتی مناسب می‌دانند.

مقایسه نهادهای نظارتی در شرکت‌های ایرانی با سایر کشورها

مقایسه رعایت مقررات، الزامات و نهادهای نظارتی در جریان فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی در اروپا و آمریکا با وضعیت آن در ایران نیازمند مقایسه سیستمهای حاکمیت شرکتی در دو مورد است.

در بیشتر کشورهای اروپایی و در آمریکا بازار سرمایه گسترده است و مالکیت شرکت‌ها در اختیار گروه‌های کثیری از سرمایه‌گذاران انفرادی و سرمایه‌گذاران نهادی قرار دارد و مالکیت از مدیریت به طور محتوایی تفکیک شده و ذی‌نفعان مستقیم و غیر مستقیم زیادی وجود دارند، بنابراین سیستم حاکمیت شرکتی در آن کشورها به سیستم‌های برون سازمانی نزدیکتر است. این موضوع سبب شده است که مکانیزمهای متعددی برای حاکمیت شرکتی مناسبتر در واحدهای اقتصادی، مطرح و مستقر شود و شرکتها مقررات و الزامات بسیار زیادی را در انجام وظایف رعایت کنند و نهادهای مختلفی بر حسن جریان فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی نظارت نمایند. در یک تقسیم‌بندی کلی این مکانیزمها شامل دو دسته مکانیزمهای درون سازمانی و برون سازمانی است:

مکانیزمهای برون سازمانی (محیطی) عبارتند از:

نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب.

نظام حقوقی: برقراری نظام حقوقی مناسب، کارایی بازار سرمایه، گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن

نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت‌هایی از قبیل خرید سهام کنترلی

نقش سرمایه‌گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری نهادی

نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت

الزامی کردن حسابرسی مستقل: با توجه به نقش برجسته نظارتی آن

فعالیت موسسات رتبه‌بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت موسسات رتبه‌بندی

مکانیزمهای درون سازمانی عبارتند از:

هیات مدیره: انتصاب و استقرار هیات مدیره توانمند خوشنام و بی‌طرف

مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب

مدیریت غیر اجرایی: ایجاد کمیته‌های هیات مدیره از مدیران مستقل و غیر اجرایی (شامل کمیته حسابرسی)

کنترل‌های داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب (مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و ...)

اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آئین رفتار حرفه‌ای و اخلاق سازمانی

هر یک از مکانیزمهای درون سازمانی و برون سازمانی، فرایندها و فعالیت‌های شرکت نظارت دارند و موجب ارتقای پاسخگویی و دستیابی به سایر هدفهای حاکمیت شرکتی می‌شوند.

درباره نظارت مرتبط با مکانیزمهای درون سازمانی به نظر می رسد صرف نظر از مقوله هیات مدیره و موارد مرتبط با مدیریت اجرایی شامل تقسیم مسئولیت ها بین مدیریت اجرایی، استقرار نرم افزارهای مناسب، نقش نظارتی مدیریت غیر اجرایی شامل ایجاد کمیته های هیات مدیره از مدیران مستقل و غیر اجرایی شامل

(کمیته حسابرسی)، کنترلهای داخلی شامل طراحی، تدوین و استقرار کنترلهای داخلی مناسب (مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و ...) بسیار ناچیز و ضعیف است و به نقش نظارت بر اخلاق سازمانی نیز توجه بایسته نمی شود.

آینده حسابرسی داخلی در ایران

تا سالهای اخیر حسابرسی داخلی نقش بسیار کم رنگی در شرکتهای ایرانی داشته و بررسی ها گویای آن است که حتی تعداد زیادی از شرکت های بورس نیز از خدمات حسابرسان داخلی بهره نمی گیرند و آن تعداد از شرکت های پذیرفته شده در بورس که دارای واحد حسابرسی داخلی هستند نیز به خدمات حسابرسان داخلی عنایت ناچیزی دارند و جایگاه سازمانی آنها موجب کاهش اثربخشی حسابرسان داخلی می شود . اما تغییر و تحولات پرشتاب سالهای اخیر در اقتصاد کشور و خصوصی سازی برخی از بزرگترین بنگاه های اقتصادی دولتی، به طور طبیعی تغییر و تحول در الگوهای سازمانی را به دنبال خواهد داشت و قابل پیش بینی است که کارحسابرسی داخلی نیز تحت تاثیر این تحولات دچار تغییرات قابل ملاحظه ای شود .

در یک پروژه تحقیقاتی از مدیران حسابرسی داخلی شرکت های بزرگ در مورد آینده حسابرسی داخلی سوال شده که آنان در پاسخ، آینده حسابرسی داخلی را چنین پیش بینی کرده اند :

-به طور کلی روند استفاده از حسابرسی داخلی در شرکت ها افزایش خواهد یافت.

-انجام کار حسابرسی عمدتاً براساس سفارش ذینفع ها صورت خواهد گرفت و بنابراین پاسخگویی به نیازهای مشتریان و انجام حسابرسیهای خاص، بیشترین حجم کار حسابرسان را تشکیل خواهد داد.

-انجام کار حسابرسی بیش از پیش با تکیه بر فناوری اطلاعات انجام خواهد شد و این امر کنترل از راه دور را برای حسابرسان آسانتر می کند .

-استانداردهای حسابرسی داخلی در جهت گنجاندن رویکردهای جدید و با تاکید به سنجش و ارزیابی ارزش آفرینی در سازمان، تغییر خواهد یافت .

-همکاری حسابرسی داخلی با مدیریت در جهت شناسایی ریسک و بهبود مدیریت ریسک، بهبود فرآیندها، تجزیه و تحلیل مسایل سازمانی و ارائه راهکار برای حل مسائل سازمان افزایش می یابد.

-ساختار سازمانی حسابرسی داخلی تغییر اساسی خواهد کرد، از جمله لایه های سازمانی کاهش یافته، و انجام کارها به صورت تلفیقی از نیروهای درونی و برون سپاری صورت می گیرد .

-حسابرسان وظایف خود را عمدتاً به صورت فراوظیفه ای انجام خواهند داد و در تیم حسابرسی نیروها، با دانش بازاریابی، عملیات و تولید، منابع انسانی، مالی و غیره حضور خواهند داشت .

-بهره برداری از سیستم های خود کنترلی توسط مدیران موجب می شود نیروی حسابرسی داخلی و انجام رسیدگی های تکراری و کم اهمیت آزاد شده و به اهداف و برنامه های راهبردی و پر اهمیت تمرکز یابد .

-حسابرسان داخلی در راستای این تحولات باید به تجدید مهندسی و بازآموزی خویش بپردازند تا بتوانند به آموزگاران سازمان تبدیل شده و نقش راهبردی و ارزش آفرین خود را در جهت پیشبرد اهداف و رشد تعالی سازمان به خوبی ایفا کنند .